



فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیل عارفی گوروان*^۱

چکیده

بیداری اسلامی که با انقلاب در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ وارد مرحله جدیدی شد، پیامدهای گسترده‌ای را به همراه داشت. امید آن می‌رفت که با موج فزاینده انقلاب‌های مردمی، نظامی جدید، منطقه‌ای و درون‌زا شکل گیرد؛ اما با ناتمام ماندن انقلاب و انحراف در بیداری اسلامی، وضعیت تضاد، دشمنی و جنگ داخلی در برخی کشورهای منطقه حاکم و سرنوشت ملل منطقه با چالش‌هایی خطرناک مواجه شد. مطالعه زمینه‌ها و عوامل مؤثر در این روند، در قالب فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی، می‌تواند گام مهمی در شناخت وضع موجود و ترسیم راهبردهای ممکن در سیاست خارجی ایران برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و کنترل تهدیدات باشد. در این مقاله تلاش می‌شود با استفاده از مدل سوات (SWOT) فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی مطالعه شود. و به این سوالات پاسخ داده شود، تهدیدهای فراروی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه چیست؟ فرصت‌های فراروی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که همکاری جدید منطقه‌ای در برابر مقاومت، ظهور گروه‌های سلفی تکفیری، ایجاد

^۱ . دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب دانشگاه شاهد.

جنگ و درگیری در کشورهای مسلمان نشین، ظهور نظم نوین غربی بجای نظم نوین اسلامی، افزایش بحران و پیچیدگی در منطقه، تهدیدهای ایران در منطقه است و در مقابل افزایش قدرت منطقه ای ایران، شکل گیری گفتمان اسلام سیاسی، وضعیت جدید ایران پس از برنامه برجام، به ثمر نشستن خواسته های نیروهای اسلامی، فرصت های فراروی ایران است.

واژگان کلیدی: فرصت ها، تهدیدها، بیداری اسلامی، ایران، نظام اسلامی، منطقه خاورمیانه.

مقدمه

تحولات شتابان خاورمیانه که مهم ترین ویژگی آن رها شدن از نظام های استبدادی و مداخلات خارجی است، بیانگر تلاش ملل مسلمان برای ایجاد نظم نوین سیاسی بر اساس مکتب و فرهنگ اسلامی است که هویت و جان مایه واقعی این ملت ها را شکل می دهد. پیدایش انقلاب در کشورهای عربی سرآغازی نوین برای تحقق بخشیدن به اهداف بیداری اسلامی است (بغدادی، ۱۳۹۰: ۹)؛ اما این انقلاب های مردمی با موانع و چالش های متعددی مواجه شده اند. شناسایی فرصت ها و تهدیدهای بیداری اسلامی، گام مهمی در شناخت وضع موجود و اتخاذ راهبردهای ممکن برای تأمین اهداف و منافع ایران و امت اسلامی است. بیداری اسلامی، حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی است که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت های این منطقه انجامیده است و انقلاب هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه ای و بین المللی نمی گنجد. شکی نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم و معرفت ها و تجربه هاست. چنان که تحولات دهه های پنجاه و شصت میلادی در تعدادی از این کشورها که به رژیم های غالباً متمایل به تفکرات و ایدئولوژی های مادی منتهی شد و به اقتضای طبیعت خود پس از چندی در دام قدرت های استکباری و استعماری غرب گرفتار آمد، تجربه های درس آموزی اند که سهم وافری در شکل دادن به اندیشه عمومی و عمیق کنونی دنیای اسلام دارد. با این اوصاف در پژوهش حاضر، فرصت ها و تهدیدهایی که می تواند حرکت بیداری اسلامی ایران را در صحنه سیاست خارجی مورد تهدید قرار دهد مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است و در پی پاسخ گویی به این سؤال اصلی هستیم که فرصت ها و تهدیدهای بیداری اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه و صحنه سیاست خارجی چیست؟

الف) مفاهیم و مبانی نظری

برای مطالعه فرصت‌ها و تهدیدهای انقلاب یا بیداری اسلامی در کشورهای عربی می‌توان از چارچوب نظری سوات (SWOT) استفاده کرد. ادبیات مفهومی مدل سوات، نه تنها ما را در تبیین موارد فرصت و تهدید کمک می‌کند، بلکه این امکان را فراهم می‌سازد تا از طریق شناخت زمینه‌ها و موارد قوت و ضعف خود، راهبردهای لازم را شناسایی کنیم. چارچوب سوات از چهار اصطلاح فرصت، تهدید، قوت و ضعف تشکیل شده است. تحلیل (SWOT) ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی‌های درونی سازمان است. پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک و همین‌طور بازاریابی، شناخت محیط پیرامونی سازمان است. تکنیک (SWOT) یکی از تکنیک‌های برنامه‌ریزی راهبردی است. لیکن با شناخته شدن سودمندی آن از دهه ۱۹۸۰ میلادی نظریه پردازان موفق شدند تا دامنه کاربرد تکنیک‌های یاد شده را از قلمرو برنامه‌ریزی موسسات خصوصی به قلمرو برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در عرصه عمومی و برنامه‌های دولتی و همگانی تسری بخشیده و با الزامات آن منطبق سازند. این مدل یکی از ابزارهای استراتژیک تطابق نقاط قوت و ضعف درون سیستمی با فرصت‌ها و تهدیدها برون سیستمی است. از دیدگاه این مدل یک استراتژی مناسب قوت‌ها و فرصت‌ها را به حد اکثر و ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل ممکن می‌رساند. تجزیه و تحلیل (SWOT) اصطلاحی است که برای شناسایی نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی که یک شرکت، مجموعه یا قلمرو با آن روبرو است به کار برده می‌شود (جان پرس، ۱۳۸۰: ۳۲۰).

فرصت‌ها: به مجموعه شرایط و وضعیت‌های مثبتی گفته می‌شود که در محیط سیاست خارجی یک کشور ایجاد می‌شود و زمینه اقدامات جدیدی را برای یک کشور در محیطی ثابتی فراهم می‌سازد.

تهدید: به مجموعه شرایط و وضعیت‌هایی گفته می‌شود که در محیط عملیاتی سیاست خارجی ظاهر می‌شود و بر عملکرد سیاست خارجی تاثیر منفی گذاشته، مانع از دستیابی به اهداف سیاست خارجی می‌شود.

قوت: به مجموعه‌ای از منابع قدرت در دسترس گفته می‌شود که برای کارآمد کردن سیاست خارجی و تاثیرگذاری بیشتر بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به کار می‌رود.

ضعف: به مجموعه شرایط و وضعیت‌هایی گفته می‌شود که باعث ناکارآمدی و یا عدم بهره‌گیری از فرصت‌ها در سیاست خارجی در یک محیط عملیاتی می‌گردد (ستوده آرانی و ترکی،

۱۳۹۵: ۱۴۷). با توجه به این که هدف از تدوین مقاله حاضر بیان فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی می‌باشد، به این دلیل از قسمت اول این نظریه استفاده می‌کنیم و به کاربرست (تهدیدها و فرصت‌ها) می‌پردازیم. در ابتدا تهدیدهای بیداری اسلامی که مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی است را بررسی می‌کنیم. سپس فرصت‌هایی که ایران با آن‌ها روبه روست را بیان می‌کنیم.

ب) تهدیدها و فرصت‌های بیداری اسلامی جمهوری اسلامی در صحنه سیاست خارجی

موج جدید بیداری اسلامی که با قیام مردم تونس در دسامبر ۲۰۱۰ رخ داد (عابدینی، ۱۳۹۰: ۲۹) به سرعت در مصر، لیبی، اردن، بحرین، سوریه، کویت، عربستان و یمن گسترش یافت. این موج آثار و پیامدهای گسترده‌ای را در سراسر منطقه بر جای گذاشت. اگر مسیر بر حسب خواست و اراده ملت‌های منطقه ادامه می‌یافت، شاهد امواج فزاینده بی‌ثباتی و حرکت‌های افراطی تروریسم در منطقه نبودیم. انقلاب در کشورهای عربی علیه نظم موجود بود؛ نظمی که ضمن استبدادی و در تضاد با منافع ملت بودن، هویت فرهنگی مردم را تحقیر می‌کرد. رژیم حاکم بر تونس مانند بقیه کشورهای دیکتاتوری منطقه، با اسلام مخالف بود (عارف حسینی، ۱۳۹۲: ۶۲). حکومت مصر مانع استقرار مردم سالاری و اجرای قوانین اسلامی بود و در لیبی نیز مردم علیه دیکتاتور بودن معمر قذافی به پاخواستند و به شکل مجموعه‌ای از راهپیمایی‌های خیابانی، اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی را از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ شکل دادند. (حسینی عارف، ۱۳۹۲: ۱۹۸). سایر حرکت‌های انقلابی نیز بیانگر عصیان مردم علیه نظم موجود و تلاش برای پی ریزی نظم نوین بود؛ اما این تلاش انقلابی با موانع و چالش‌هایی مواجه شد. در مصر، پس از یک دوره موقت، انقلابیون سرکوب و حکومت نظامیان برپا شد و عربستان با سرکوب و اقدامات اقتصادی، اعتراضات گسترده را موقتاً کنترل کرد (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۷۷). این کشور تلاش کرد تا با سیاست برون فکنی از طریق اشغال بحرین و جنگ با یمن توجه مردم کشورش را به خارج معطوف سازد و با مداخله در تحولات سیاسی سوریه در نقش یک قدرت بزرگ در معادلات منطقه‌ای ایفای نقش نماید. کنترل حرکت انقلابی در کشورهای لیبی، تونس و کویت نیز مانع از دستیابی به اهداف بزرگ انقلاب شد. به طور کلی، مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مانند گسترش سلفی‌گری و دخالت عربستان، اسرائیل و ترکیه به همراه قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در روند بیداری اسلامی، باعث انحراف انقلاب از مسیر اصلی خود شد و بیداری اسلامی در معرض تهدیدها و موانع فزاینده‌ای قرار گرفت. اکنون لازم است تهدیدها و فرصت‌های موجود شناسایی شود تا با شناخت آن‌ها امکان

مهار تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها جهت شکل دهی به نظم نوین منطقه فراهم گردد. بدین منظور در ابتدا تهدیدها و سپس فرصت‌های بیداری اسلامی را بررسی می‌کنیم.

۱- تهدیدها

هر تغییری در مناسبات منطقه‌ای و جهانی، به همان اندازه که مستعد ایجاد فرصت خواهد بود، احتمال ایجاد تهدیدها را نیز به همراه خواهد داشت. چرا که در تضاد منافع، توازن قوا نظم و امنیت منطقه را حفظ می‌کند و در صورت برهم خوردن این توازن، دولت‌های ضعیف‌تر احساس خطر بیشتری خواهند کرد. دولت‌هایی که این احساس تهدید در آن‌ها وجود دارد، در ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر، واکنش نشان می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

۱-۱- همکاری جدید منطقه‌ای در برابر مقاومت

ایران همواره با مداخله قدرت‌های خارجی در منطقه مخالف است، اما کشورهای عربستان، ترکیه و قطر که پیوند استراتژیک با آمریکا دارند در پی گسترش قدرت و نفوذ آمریکا و غرب در منطقه هستند. این مسئله به همراه قرائت خاص ایران از پیدایش انقلاب‌های عربی، باعث تشدید تعارض و تیرگی روابط ایران با این کشورها شده است، به گونه‌ای که در بحران سوریه، یمن و بحرین، دو طرف در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند. (ستوده آرانی و ترکی، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

۱-۲- ظهور گروه‌های سلفی تکفیری

اسلام‌هراسی در چارچوب هدف غرب برای تسلط بر جهان اسلام و جلوگیری از موج فزاینده بیداری اسلامی پس از یازده سپتامبر تشدید شد و سرانجام با ظهور سلفی‌گری تکفیری تکمیل گردید (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۹۹). رسانه‌های غربی نیز با شیوه‌های متنوع به گسترش آن کمک نمودند و زمینه‌های رعب و وحشت و بی‌ثباتی در منطقه را به وجود آوردند. با پیدایش داعش و سایر گروه‌های تند سلفی و طرح ایجاد حکومت اسلامی در عراق و سوریه، موج ناامنی و ترور فراگیرتر شد و زمینه مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای مقابله با موج تروریسم افزایش یافت؛ اما با گذشت زمان نه تنها تروریسم مهار

نشده، بلکه ائتلافات ایجاد شده برای مقابله با آن به دلیل اهداف متناقض دولت‌های عضو ائتلاف، باعث افزایش قدرت سلفی‌های تکفیری و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه گردید.

۱-۳- ایجاد جنگ و درگیری در کشورهای مسلمان نشین

از مهم‌ترین تهدیدهای بیداری اسلامی، مربوط به بحران سوریه و یمن است. این بحران‌ها سرفصل مهمی برای تحولات خاورمیانه محسوب می‌شود. رسانه‌های جهانی افکار عمومی منطقه را به این بحران‌ها معطوف ساخته و شور و حرارت بیداری اسلامی را با یأس و ناامیدی مواجه ساخته‌اند. این بحران‌ها باعث شده تا توان و قدرت نیروهای مؤثر انقلابی در منطقه درگیر تعارضات داخلی و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی شود. سوریه درگیر آشوب‌های داخلی گردید و پس از انقلاب یمن در سال ۲۰۱۲، قدرت حکومت مرکزی از دست رفت و بیشتر نقاط کشور دستخوش بحران شد. حوثی‌ها که شیعه زیدی‌اند، از قوی‌ترین گروه‌ها در یمن هستند؛ اما با دخالت نیروهای نظامی عربستان و گسترش تروریسم نتوانستند ثبات و امنیت را بر کشور حاکم سازند. در حال حاضر یمن با بحران‌های زیادی مواجه است که از جمله آن عدم اتحاد گروه‌های تأثیرگذار در این کشور، وجود گروه‌های تروریستی تکفیری، کمک‌های نظامی و مالی برخی کشورهای غربی و عربی منطقه به این گروه‌ها است. حمله نظامی عربستان به یمن باعث وخیم‌تر شدن شرایط بحرانی این کشور گردید (شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰).

۱-۴- ظهور نظم نوین غربی بجای نظم نوین اسلامی

آمریکا و غرب به منظور جلوگیری از تحقق مهم‌ترین اهداف منطقه‌ای بیداری اسلامی یعنی نظم منطقه‌ای اسلامی تلاش فزاینده‌ای را در ایجاد ترس از اسلام و ایران به عمل آورند. جرج بوش پسر پس از حادثه مشکوک یازده سپتامبر رسماً از جنگ صلیبی علیه مسلمانان سخن گفت، در این راستا «اسلام هراسی» بیش از هر زمان دیگری مورد نیماز نومحافظه کاران جنگ طلب کاخ سفید بود. اسلام هراسی و شیعه هراسی را می‌توان به عنوان ترس یا تنفر از اسلام، مسلمانان و فرهنگ اسلامی به ویژه زمانی که ترس از آن به عنوان نیروی سیاسی مطرح باشد، دانست (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۱۶۷). «ایران هراسی» و «شیعه هراسی» نیز بخشی از همین پروژه بود. یکی از اهداف دیگر این امر تلاش برای جایگزین کردن یک دشمن خیالی برای غرب سرمایه داری بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. هدف دولت امریکا این بود تا از

طریق اسلام هراسی مانع از شکل گیری نظم نوین منطقه‌ای در چارچوب اسلام گردد؛ روندی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تسریع شد. پس موج جدید بیداری اسلامی و برای ایجاد انحراف در مسیر حرکت‌های انقلابی، ایران هراسی و شیعه هراسی بیش از گذشته در دستور کار مخالفان نظم نوین اسلامی و درون‌زا قرار گرفت و با پیدایش سلفی‌گری افراطی ترس از اسلام وارد مرحله نوینی شد و منطقه درگیر آشوب و جنگ‌های داخلی گردید. هدف آمریکا این است تا متعاقب بحران و جنگ، سرانجام نظم و ساختار مورد نظر خود را بر منطقه حاکم سازد (نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

۱-۵- افزایش بحران و پیچیدگی در منطقه

با خروج نیروی نظامی روسیه از سوریه در فرایند مذاکرات سوریه در ژنو، بار دیگر اهمیت روابط دوجانبه سیاسی میان قدرت‌های بزرگ جهانی در شکل دهی به ساختار قدرت منطقه‌ای نمایان شد. روسیه در پی تأمین منافع بلندمدت خود در منطقه خاورمیانه است و حاضر نیست سلطه همه جانبه آمریکا را بر این منطقه بپذیرد. در عین حال مذاکرات آمریکا - روسیه در ترسیم نقشه سیاسی منطقه، به ویژه در سوریه، عراق و یمن می‌تواند غافلگیری سیاسی‌ای را در معادلات قدرت منطقه‌ای به همراه داشته باشد. این وضعیت غافلگیری که غالباً پیچیدگی بحران را افزایش می‌دهد، می‌تواند تهدیدی برای بیداری اسلامی و سیاست خارجی ایران محسوب شود. اگر منطقه خاورمیانه در آینده نیز همچنان تحت نفوذ و قدرت چندین قدرت بزرگ فرامنطقه‌ای باشد، شرایط برای تعریف نظم منطقه‌ای درون‌زا با تهدیدهای مضاعف مواجه است (جرجیس، ۱۹۸۷: ۲۳۷).

۲- فرصت‌ها

بر اساس واقعیات حاکم بر تحولات مطرح در منطقه، ایران به عنوان یکی از کشورهای متأثر از این تحولات و تاثیر گذار بر آنها، باید به دنبال ایجاد فرصت‌های جدید و بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های ایجاد شده باشد. از نظر ایران، تحولات امروز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ادامه روندی است که حدود یک قرن پیش در ایران آغاز شده و ۳۷ سال پیش با پیروزی انقلاب اسلامی به ثمر رسیده است. همچنین این خیزش‌ها، مستقل و برآمده از جهان بینی، بیداری و هوشیاری اسلامی است که آن هم الگو گرفته از انقلاب اسلامی است. ایران، جنبش‌های اخیر مردمی در منطقه را حرکت‌های ریشه‌ای می‌داند، نه مدیریت شده. به عبارت

۷

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

فرصت‌ها و تهدیدهای فراوی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان

دیگر، این اعتراضات، نتیجه تراکم ناخرسندی‌هایی بود که دهه‌ها بر مردم تحمیل شده بود. ناخرسندی از تبعیض‌ها، فساد حکومتی و همچنین بیکاری جوانان، باعث شد مردم قیام کنند. ضمن اینکه در این مدت انقلابی در منطقه رخ داد و آن انقلاب اسلامی ایران بود که بستر و زمینه حرکت را برای مردم ایجاد کرد. از سوی دیگر، تغییر نظام کنونی منطقه و فروپاشی حکومت‌های وابسته و نزدیک به آمریکا و غرب، فرصت جدیدی در اختیار ایران قرار خواهد داد. برخی کشورها که امروز با وقوع تحولات و انقلاب‌های مردمی، دستخوش تغییر در نظام سیاسی خود شده‌اند یا خود را در آستانه رسیدن امواج انقلاب‌های مردمی می‌یابند، هم پیمانان نزدیک غرب و به ویژه آمریکا در منطقه هستند که در سال‌های اخیر، شدیدترین مواضع را علیه ایران در پیش گرفته‌اند. لذا تحولات منطقه در راستای منافع و دیپلماسی سیاست خارجی ایران است و بازبینی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مبین این ادعا می‌باشد (صالحی، ۱۳۹۰).

۲-۱- افزایش قدرت منطقه‌ای ایران

در شرایط جدید که نظم نوین منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است و بازیگر جدیدی مانند حزب الله، ظاهر شده، کشورهای عربستان و اسرائیل از تقویت محور مقاومت در هراس‌اند. عربستان نگران قدرت یافتن شیعه در منطقه و اسرائیل از پیشرفت حزب الله و همچنین گردان‌های مقاومت لبنان که بازوی نظامی جنبش علیه اشغالگری اسرائیل است، نگران هستند (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۵۹-۲۸۱). حمایت ایران از حزب الله نیز حساسیت‌های رژیم صهیونیستی و عربستان را افزایش داده است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۸). صدور انقلاب اسلامی در میان بیش از یک میلیون مسلمان شیعه که یک سوم جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند، آرایش نیروها را در لبنان از سال ۱۹۸۲ به بعد تغییر داده است (ای لانگ، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در واقع قدرت یابی حزب الله را می‌توان در حمله ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان دید و نفوذ ایران در حزب الله را می‌توان از اعتقاد کمیته شورای حزب الله به ولایت فقیه و پیروی از امام دانست (عبدالستار، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۳۲). در شرایط موجود، عربستان به دنبال تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای است و در رقابت با ایران ظاهر می‌شود. این موارد نشان از ورود منطقه به یک صف آرای جدید است که بازیگران اصلی آن ایران، عربستان و ترکیه هستند. سرنوشت آینده سوریه، به ویژه پس از توافق درباره جایگاه و نقش روسیه و ایران در معادلات قدرت در سوریه و ساختار آینده خاورمیانه، روند حرکت‌های اصلاحی و انقلابی ملل منطقه را تا حد زیادی مشخص خواهد کرد (قنبر لو، ۱۳۸۸: ۵۴).

۲-۲- شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی

از منظر جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی، مهم‌ترین عامل عقب ماندگی مسلمانان دورشدن از اسلام است. حرکت‌های انقلابی کشورهای منطقه حکایت از بیداری ملت‌های مسلمان و توجه فزاینده آنان به اسلام به عنوان تنها راه حل ممکن است که می‌تواند زمینه ساز و شکل دهنده مسیرهای متعالی‌تری قرار گیرد. به عبارت دیگر، بیداری اسلامی، برخلاف تنوع گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوتش، پیام واحدی دارد که بیانگر برگشت به دین اسلام و احیای هویت اسلامی جوامع مسلمان منطقه است. آنچه باعث این بیداری شد، سرکوب ملت‌های منطقه توسط حاکمان دست‌نشانده و مستبد بود. این شرایط فرصت لازم را برای احیای اسلام اصیل و الگوگیری از آموزه‌های انقلاب اسلامی فراهم می‌سازد و ایران می‌تواند علی‌رغم چالش‌های موجود، از این ظرفیت برای کمک به اهداف ملل ستمدیده در منطقه استفاده کند (شیرودی، ۱۳۸۸: ۷۳).

۲-۳- وضعیت جدید ایران پس از برنامه برجام

دوران پس‌برجام می‌تواند باعث افزایش قدرت منطقه‌ای ایران شود. در حین مذاکرات برجام، اسرائیل و عربستان پیوسته از غیرامنیتی شدن ایران وحشت داشتند؛ زیرا حفظ برجام و بهبود روابط دو سویه ایران با غرب، گام مهمی در مسیر رشد و پیشرفت ایران محسوب می‌شود. ایران با داشتن نفت، گاز، وسعت سرزمین و دانش جدید، زمینه پیشرفت اقتصادی بالایی دارد. ایران در بین کشورهای دارای ذخایر معدنی در ردیف دوازدهم قرار دارد؛ همچنین بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز طبیعی در بین کشورهای عضو اوپک است و با ۱۳۲ میلیارد بشکه ذخایر نفتی قابل برداشت، دومین ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. از سوی دیگر افزایش روابط دیپلماتیک می‌تواند قدرت ایران را در مذاکرات جهانی و منطقه‌ای، به ویژه درباره مسئله سوریه و یمن و ایجاد نظم جدید منطقه‌ای افزایش دهد. آنچه مسلم است افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نظم منطقه‌ای آینده دارد و به نوبه خود می‌تواند روندهای فراروی بیداری اسلامی را با فرصت‌ها و قابلیت‌های بیشتری همراه سازد (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۴۵).

۹
«فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بیداری اسلامی»

فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان

۲-۴- به ثمر نشستن خواسته‌های نیروهای اسلامی

مردم مسلمان کشورهای عربی درخواست‌ها و اهدافی داشتند که مهم‌ترین آن‌ها اسقاط نظام استبدادی و ایجاد حکومت جدید با ساختارها و نظمی جدید بود. در این تحولات شتابان تغییراتی در ساختار حکومتی به وجود آمد و در کشورهایی مانند مصر، تونس و لیبی دولت‌های استبدادی و پادشاهی ساقط شد و مشروعیت کشورهایی مانند عربستان کاهش یافت. این وضعیت افق تازه‌ای را برای ساماندهی به نظم سیاسی این کشورها فراهم کرد. انقلابیون در پی ایجاد نظم جدید و حفظ فرهنگ و هویت اسلامی در ساختار جدید سیاسی بودند؛ اما با موانع و چالش‌های گسترده‌ای مواجه شدند؛ برای مثال، در مصر انقلاب ناتمام ماند و ارتش مجدداً به قدرت بازگشت و ژنرال السیسی به جای مرسی حکومت را به دست گرفت و عربستان با سیاست سرکوب، از فروپاشی حکومت جلوگیری کرد. البته سرکوب و خفقان پس از انقلاب‌های عربی به مفهوم نابودی نیروها، احزاب و جریان‌های انقلابی و مردمی نیست و مانند هر انقلاب و حرکت مردمی دیگری، تلاش برای دستیابی به اهداف انقلابی و گسترش عدالت خواهی و رفع تبعیض به شیوه‌های متفاوت ادامه دارد. این وضعیت با توجه به تجربه دوران انقلاب، فرصت جدیدی را برای لبه بر موانع پیش رو در حمایت و دفاع از ملل منطقه فراهم می‌سازد (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۷۷).

۲-۵- افزایش آگاهی قشر فعال (جوانان)

انقلاب‌های عربی که به انقلاب الشباب معروف شد، بیانگر خودباوری، احساس مسئولیت و اعتماد به نفس نیروهای جوان فداکاری است که هزینه‌های انقلاب را با آگاهی می‌پذیرند. جوانان سرمایه بزرگ انسانی و اجتماعی هستند و می‌توانند باعث تغییرات بنیادین در کشورشان شوند. جوانان در کشورهای مصر، تونس، لیبی و یمن، قدرت فزاینده‌ای را به وجود آوردند و نظام استبدادی را ساقط کردند. این نیرو می‌تواند با افزایش بصیرت و آگاهی اهداف خود را محقق سازد. ایران اسلامی نیز می‌تواند با استفاده از راهبردهای ممکن در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های مجازی و اجتماعی، این جوانان را تقویت کند و با کمک آن‌ها و سایر طبقات اجتماعی، چالش‌های فراروی بیداری اسلامی را کاهش دهد (مصفا و

امین منصور، ۱۳۹۲: ۳۶).

۱۰
«فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بیداری اسلامی»

فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان

۲-۶- افزایش نفوذ منطقه‌ای و هم‌پیمانان جدید

با توجه به گرایش ملت‌های معترض منطقه به ایران و رجوع آنان به ارزش‌های اسلامی که همان آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران در انقلاب ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ است، پیش‌بینی می‌شود دولت‌های جدیدی که در اثر انقلاب‌های مردمی تشکیک خواهند شد، به طور طبیعی به برقراری ارتباط مطلوب تر با ایران گرایش خواهند داشت. با این حال، نباید بیداری اسلامی در کشورهای عربی خاورمیانه را به معنای رسیدن به حکومت اسلامی بدانیم (هادیان، ۱۳۹۰: ۴). حتی با فرض تحقق نیافتن این پیش‌بینی، ایران دست کم در کوتاه‌مدت از مزاحمت‌ها و خصومت‌های برخی رقبای بالفعل خود خلاصی خواهد یافت. تا همین جا نیز با سرنگونی حکومت حسنی مبارک در مصر و ابراز تمایل دولتمردان جدید این کشور به برقراری روابط دیپلماتیک با ایران، آن هم بعد از سی سال قطع رابطه رسمی دو کشور، یک رقیب تاریخی برای ایران در حال تبدیل شدن به یک هم‌پیمان منطقه‌ای برای این کشور است. تأثیرات کوتاه‌مدت این تغییرات در گشایش گذرگاه رفع و نقش مصر در تحولات آشتی ملی فتح و حماس مشاهده می‌شود. همچنین عربستان به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران، اکنون به طور واقعی درگیر حوادث بحرین شده است و خود را در محاصره جنبش‌های ضد دیکتاتوری ملت‌های منطقه می‌یابد. از همین رو، این کشور که سابقه دیرین در دشمنی با ایران و خصمانه‌ترین مواضع علیه این کشور را دارد، اخیراً خواستار مذاکره با ایران در خصوص حل بحران در بحرین شده است (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۲).

پ) راهکارها و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی

۱- تقویت و پیشگامی در توسعه در منطقه خاورمیانه

در این راهکار کشور ایران با توجه به توانمندیهای داخلی و همچنین فرصت‌های به دست آمده در عرصه منطقه‌ای باید در پی توسعه و نفوذ باشد. این استراتژی در واقع پیشگامی در تحولات منطقه‌ای است. در این راهبرد باید به بهترین نحو از فرصت‌های به دست آمده برای پیشبرد و توسعه منافع اسلامی در منطقه خاورمیانه استفاده کرد (داداش پور و احمدی، ۱۳۸۹: ۵۰-۶۰).

۲- تقویت و اشاعه انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه

انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی بود و در سطح جهان و در ابعادی گوناگون پیام خود را طنین انداز ساخت. امروزه بسیاری از تحلیل گران و نظریه پردازان غرب و شرق به عظمت و تاثیر انقلاب اسلامی اعتراف نموده‌اند زیرا انقلاب اسلامی از مرزهای ایران در سطح منطقه استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه و کشورهای اسلامی تا دیگر نقاط جهان در غرب و شرق دگرگونی‌های فکری و سیاسی پدید آورده و روابط و معادلات جهان را متحول نموده است (صالحی و شهابی، ۱۳۹۰: ۵۷). سیاست صدور انقلاب اسلامی، با توجه به شرایط جدید بیداری اسلامی، باید متناسب با این پدیده هدف گذاری و تقویت شود. ملت‌های منطقه علیه ظلم و ستم حاکمان و همچنین استکبار و مداخله قدرت‌های بزرگ بپا خواسته‌اند و پیام انقلاب اسلامی ایران را برای پیمودن حرکت‌های انقلابی شنیده‌اند. این امر فرصتی را برای صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورها در فضای بیداری اسلامی فراهم ساخته است. جمهوری اسلامی به دلیل برخورداری از نظام سیاسی اسلامی و پایبندی مردم و مسئولین آن به مواضع انقلابی، می‌تواند در بسط و گسترش اهداف انقلاب و پایبندی مردم و مسئولین آن به مواضع انقلابی، در بسط و گسترش اهداف انقلاب و اسلام بکوشد و با توجه به قدرت خود و فرصت‌های پیش رو، روند بیداری اسلامی را جهت منافع ملت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه هدایت نماید (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۳- تقویت اقتدار و قدرت خود در منطقه خاورمیانه

کشورها برای تاثیر گذاری بر حوادث و تحولات پیرامون خود، نیازمند قدرت هستند. این قدرت الزاماً قدرت نظامی نیست. یکی از ابزارهای قدرت که کشورها در اختیار دارند و می‌توانند در مواقع ضروری از آن در جهت تحقق اهدافشان بهره برداری کنند، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هستند. در این راستا ایران می‌تواند از سازمان‌های بین‌المللی که در آنها عضو است مانند سازمان کنفرانس اسلامی، اکو، عدم تعهد و... به نقش آفرینی بیشتر در حوادث منطقه بپردازد. و یا با شناسایی نقاط ضعف به تشکیل ظرفیت‌های جدید بین‌المللی بپردازد و نسبت به نهاد سازی آنها اقدام کند. و همچنین ایران می‌تواند با توجه به سقوط دولت‌های استبدادی منطقه، و روی کار آمدن دولت‌های جدید، داشتن منابع اقتصادی، سابقه تمدنی و آموزه‌های فراگیر انقلاب اسلامی، بر میزان قدرت و اقتدار منطقه‌ای خود بیفزاید و از آسیب‌ها و

چالش‌های فراروی بیداری اسلامی بکاهد (مصفا و جواد امین، ۱۳۹۲: ۳۶). یکی از نمونه‌های دولت‌های جدید تشکیل دولت شیعی در عراق است که ایران می‌تواند با برنامه ریزی در این راستا بر قدرت و اقتدار خود بیفزاید.

۱۳

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان

۴- تقویت فرهنگ ایرانی - اسلامی در منطقه خاورمیانه

ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی شکل گرفته و قدرت یافتن مسلمانان در کشورهای منطقه، در بسط ایدئولوژی انقلاب اسلامی تاثیر بسزایی خواهد داشت. موقعیت استراتژیک ایران و توسعه و خوداتکایی ایران در زمینه‌های نظامی از یک سو و بیداری اسلامی و نقش ایران در ایجاد توازن جدید قدرت از سوی دیگر، فضای مناسبی را برای ایران ایجاد کرده است. ایران باید از این فرصت استفاده کند و با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی، اطلاعاتی و رسانه‌ای، افکار عمومی ملت‌های منطقه را از آفت‌ها و آسیب‌های فراروی بیداری اسلامی بزداید و آنان را در مقابل کشورهای غربی که سعی در جهت دهی انقلاب‌های منطقه دارند، تقویت کند. همچنین با توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی ملت‌های منطقه که بیشتر اسلامی است و بیشتر جمعیت آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند، ایران می‌تواند به عنوان قطب فرهنگی در پی ترویج و اشاعه فرهنگ ایرانی-اسلامی باشد و مانع از سمت‌گیری این کشورها به سمت الگوی غربی شود (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۰).

۵- تقویت بعد اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه خاورمیانه

همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، در قالب سازمان‌های منطقه‌ای، برای رفع موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای است. همچنین با پیشرفت همگرایی اقتصادی در منطقه، می‌توان همگرایی در زمینه‌های سیاسی و نظامی را تقویت کرد که از نظر تاثیر گذاری بر معادلات منطقه‌ای بسیار مهم است. ایران با توجه به منابع خود و توجه به فرصت‌های محیطی، مانند بیداری اسلامی، می‌تواند گام‌های موثری در همگرایی منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی بردارد و جبهه مقاومت را در برابر تهدیدهای موجود مقاوم‌تر کند. و با این اوصاف می‌تواند گام‌های موثری در پیشبرد و تقویت ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه خاورمیانه بردارد و در تحکیم و تداوم بیداری اسلامی موثر باشد (لطفی پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۵).

۶- تقویت نقاط مشترک خود با کشورهای مسلمان در منطقه خاورمیانه

کشورهای اسلامی زمینه‌ها و عوامل سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای برای همکاری و همگرایی دارند. پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد و مسیر نوینی را پیش روی ملت‌های مسلمان برای همگرایی و رها شدن از وضع موجود قرار داده است. در موج جدید بیداری اسلامی باید این نقاط مشترک، بیش از گذشته، شناسایی شود؛ زیرا هر قدر نقاط مشترک فکری و عقیدتی میان کشورهای اسلامی در حمایت از آموزه‌های اسلام اصیل تقویت شود، آنان را در برابر تهدیدهای ایدئولوژیک غرو نظام سلطه بیشتر و بهتر حمایت می‌کنند (ستوده آرانی و ترکی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

۷- تقویت روحیه غرب ستیزی و بیگانه ستیزی در منطقه خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران بر اساس بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان» را معیار سیاست خارجی خود اعلام کرده است و بر این اساس، خود را متعهد به حمایت از ملت‌های مظلوم منطقه می‌داند (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۲). یکی از مهم‌ترین تهدیدهای سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه سیاست‌های خصمانه رژیم صهیونیستی و حامیانش همچون آمریکا و عربستان است. این رژیم تا کنون جنگ‌های متعددی را بر منطقه تحمیل کرده است که از جمله می‌توان به جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اشاره کرد. از مهم‌ترین بحران‌های منطقه یکی بحران فلسطین است که متعاقب اشغال این کشور توسط رژیم صهیونیستی شکل گرفته است، سیاست این رژیم و غرب این است که مشروعیت دولت صهیونیستی تأمین شود. و روحیه مقاومت و مبارزه ملت فلسطین و کشورهای اسلامی از میان برود (کریمی پور، ۱۳۹۰: ۲۷-۳۵). دومین بحران منطقه‌ای که می‌توان از آن نام برد حضور کشور ایالات متحده و عربستان در قالب داعش در کشورهای سوریه و عراق می‌باشد، که هدف از تشکیل و فعالیت این گروه کوتاه کردن و کم رنگ کردن نقش ایران در تحولات منطقه و کمک به ژاندارم شدن عربستان می‌باشد. در چنین فضایی ایران اسلامی می‌تواند از طریق شناسایی فرصت‌ها و قوت‌ها روحیه صهیونیسم ستیزی و غرب ستیزی و بیگانه ستیزی را همچنان در منطقه زنده نگه دارد و مانع از حاشیه‌ای شدن خطر صهیونیسم و غرب گردد (ستوده آرانی و ترکی، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

۱۴

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان

۸- تقویت و شناسایی گروه‌های اسلامی و انقلابی

با سقوط دولت‌های استبدادی در کشورهای منطقه از جمله مصر، تونس و لیبی و ظهور دولت‌های جدید، شاهد پیدایش گروه‌های متنوع اسلامی و انقلابی هستیم. هر یک از این گروه‌ها سیاست‌ها و راهبردهای خاص خود را برای پیشبرد اهداف و منافع خود دارند و در عمل در برخی از این کشورها حرکت‌های افراطی باعث انحراف بیداری اسلامی شده است. شناسایی دیدگاه‌ها، مواضع و رفتارهای گروه‌های اسلامی و انقلابی، می‌تواند گام مهمی در حمایت از جریان بیداری اسلامی اصیل و جلوگیری از انحراف و مواضع پیش روی آن باشد (فیضی، ۱۳۹۱: ۲۰-۳۲).

۹- تقویت امنیت پایدار در منطقه خاورمیانه

در شرایط جدید منطقه، امنیت منطقه‌ای ایران با چالش مواجه شده است. اعلان هلال شیعی از سوی پادشاه اردن، حضور مستقیم آمریکا در منطقه، به ویژه پس از یازده سپتامبر، گسترش تروریسم و سلفی تکفیری و بروز بحران در سوریه و یمن، تهدیدهای امنیتی منطقه را افزایش داده است (دلاور پور اقدم، ۱۳۸۸: ۲۶). اگر این تهدیدها مهار نشود، می‌تواند امنیت ملی ایران را نیز با مخاطره مواجه کند. در این شرایط لازم است ایران برای حفظ بقا و افزایش ظرفیت‌های دفاعی خود، در جهت تقویت ساختار امنیت منطقه‌ای تلاش کند. ایران همواره بر ساختار امنیت منطقه‌ای، در قالب ایجاد اتحادیه امنیتی منطقه‌ای، تاکید کرده است؛ اما لازم است بیش از پیش سیاستگذاری و برنامه ریزی همه جانبه را در دستور کار خود قرار دهد (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۷۸).

۱۰- تقویت اقتصاد مقاومتی در منطقه خاورمیانه

با توجه به تهدیدهای فرامرزی و اقتصاد تک محصولی ایران، لازم است اقتصاد مقاومتی که اقتصاد دانش بنیان و تولید محور است، بیش از پیش در راهبرد اقتصاد ملی، مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا با اصلاح ساختار اقتصادی کشور، نه تنها توان اقتصادی کشور افزایش می‌یابد، بلکه قدرت دفاعی ایران نیز برای تامین منافع کشور، به ویژه در شرایط بحرانی، ارتقا می‌یابد و ایران می‌تواند تهدیدها و زمینه‌های آسیب پذیری کشور را کاهش دهد و قدرت مانور خود را برای شکل دهی به ساختار نوین منطقه‌ای افزایش دهد (ستوره آرائی و ترکی، ۱۳۹۵: ۱۶۴).

ت) پیشنهادهای کاربردی مقاله

۱. مذاکره و رایزنی‌های دیپلماتیک
۲. استفاده از قدرت نهادی
۳. خلق گفت‌وگوهای منطقه‌ای که دارای مقبولیت جهانی باشد
۴. داشتن ابتکار عمل و طرح برنامه‌هایی برای برون رفت از بحران‌ها
۵. تنش زدایی و اعتماد سازی
۶. کنترل و مهار تهدیدها
۷. دعوت از استادان، علما و دانشجویان کشورهای اسلامی در جهت تبادل دیدگاه‌ها
۸. برگزاری کنفرانس‌های مشترک با کشورهای اسلامی
۹. اجرای پروژه‌های مشترک علمی با کشورهای اسلامی
۱۰. توسعه همکاری‌ها در قالب سازمان‌های تخصصی منطقه‌ای
۱۱. برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی برای بررسی ابعاد جنبش و شناخت صحیح آن و تعیین راهبردهای اصولی و کارآمد
۱۲. برنامه‌ریزی با کشورهای اسلامی در جهت خشکاندن ریشه تروریسم در منطقه و ترویج گروه‌های مقاومت اسلامی

نتیجه‌گیری

با انقلاب در کشورهای عربی، موج بیداری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد و فرصت‌های گسترده‌ای را برای ملل منطقه برای شکل دهی به نظم سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای فراهم آورد؛ اما تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی مانع از حرکت شتابان نیروهای انقلابی به سمت تحقق بخشیدن به اهداف خود شد. فرصت‌هایی مانند سقوط نظام‌های استبدادی، شرایط جدید منطقه‌ای و...، دوران پسابرجام موقعیت و فرصت بیشتری را به ایران برای ایفای نقش در معادلات قدرت منطقه‌ای فراهم ساخته است. با حفظ فضای غیرامنیتی ایران در منطقه و تقویت روند اعتمادسازی میان کشورهای اصلی در منطقه، این امکان وجود دارد که سطح روابط ایران با کشورهای همسایه افزایش یابد و فضای ناامنی و بی‌ثباتی کاهش یابد. با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهایی که بیان شده است، ایران می‌تواند، با بهره‌گیری از کاربست آنها در سطح منطقه‌ای، به پیشبرد بیداری اسلامی بپردازد. و مانع از دست اندازی کشورهای بیگانه در منطقه خاورمیانه گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که همکاری جدید منطقه‌ای در برابر مقاومت، ظهور گروه‌های سلفی تکفیری، ایجاد جنگ و درگیری در کشورهای مسلمان نشین، ظهور نظم نوین غربی بجای نظم نوین اسلامی، افزایش بحران و پیچیدگی در منطقه، تهدیدهای بیداری اسلامی در منطقه است. با توجه به راهکارهایی که ارائه شده است، ایران می‌تواند با طرح ریزی و برنامه‌ریزی مناسب با این تهدیدها مبارزه کند. زیرا کشورهای غربی توانسته‌اند در غفلت کشورهای منطقه با ایجاد و تشکیل تروریسم این تهدیدها را به وجود آورند. در مقابل افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، شکل‌گیری گفت‌وگوهای اسلامی سیاسی، وضعیت جدید ایران پس از برنامه برجام، به ثمر نشستن خواسته‌های نیروهای اسلامی، فرصت‌های فراروی ایران در امر بیداری اسلامی است. این فرصت‌ها نقطه اتکای ایران برای زدن استارت تهدید زدایی در منطقه است. نمود چنین حرکتی استفاده از راهکارهای عملی در برابر تهدیدها است. مثل: تقویت گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی، تقویت گروه‌های اسلامی، تقویت غرب ستیزی، تقویت قدرت منطقه‌ای، تقویت بعد اقتصادی و امنیتی و ... می‌باشد؛ با این اوصاف با توجه به این که کشور ایران، یکی از کشورهای بزرگ اسلامی است و مرکز تشیع در منطقه می‌باشد. و همچنین با توجه به ظرفیت‌های غنی ایران در رابطه با مبارزه علیه ظلم در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و فعالیت‌های سیاسی آن در منطقه، مانند مبارزه با تروریسم، و تلاش در بحران سوریه و عراق، به عنوان کشوری قدرتمند در عرصه بازی‌های منطقه‌ای شناخته شده است که هراس در دل

بیگانگان و مخالفان انداخته است. این ظرفیت‌های بالقوه موجب می‌شود که ایران با اتکا به مبانی اسلامی خود، بتواند در امر حذف تهدیدهای بیداری اسلامی و بروز فرصت‌های آن کشوری شاخص معرفی گردد. تمامی تهدیدها و فرصت‌هایی که ذکر شد و همچنین راهکارهایی که ارائه شد، نویدی است برای کشور ایران در امر تقویت بیداری اسلامی و تامین منافع ملی و جهت دهی به ایجاد نظم نوین منطقه‌ای با اتکا بر تمدن نوین اسلامی.

۱۸

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان

منابع

منابع فارسی:

- احمدیان، حسن و زارع، محمد (۱۳۹۰)، «استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری، دوره ۲، شماره ۲.
- ای لانگ، دیوید (۱۳۸۸)، «بازتاب انقلاب اسلامی بر شبه جزیره عربستان و کشورهای خلیج»، کتاب ایران و بازتاب جهانی آن، جان ال اسپوزینو، چاپ سوم، انتشارات: باز.
- آقایی، داود و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «روابط ج.ا.ا و عربستان سعودی چالش‌های بنیادین و امکانات پیش رو»، فصلنامه سیاست، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳.
- بغدادی، حسن (۱۳۹۰)، «اصلاح ساختار گفتمان اسلامی»، همایش بین‌المللی بیداری اسلامی، بررسی تحولات اخیر کشورهای عربی - اسلامی از شمال آفریقا تا خاورمیانه، بسترها چالش‌ها پیامدها، تهران.
- پیرس، جان و ریچارد کنت، رابینسون (۱۳۸۰)، «برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک»، ترجمه‌ی: سهراب خلیلی شورینی، چاپ دوم، تهران: یادواره کتاب.
- جرجیس، فواز ای (۱۳۸۹)، «آمریکا و اسلام سیاسی»، ترجمه‌ی سید محمدکمال سروریان، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی عارف، سید علی رضا (۱۳۹۰)، «بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی»، قم: سنابل.
- دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال و فرازی، مهدی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ذوالفقاری، سید محمد (۱۳۹۳)، «هراس اخلاقی و رهیافتی برای فهم شیعه هراسی»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۱۱.
- ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۳)، «گروهک تروریستی داعش برآیند تنازعات و ناامنی جهانی شدن»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۴۵.
- ستوده آرانی، محمد و ترکی، هادی (۱۳۹۵)، «بیداری اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: فرصت‌ها تهدیدها و راهبردها»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هجدهم، دوره هفتاد و یکم.

- شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۳)، «جنبش انصارالله یمن»، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی تأثیرگذاری و نمونه‌ها»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶.
- صالحی، علی اکبر (۱۳۹۰)، «سخنرانی در همایش بین‌المللی بیداری اسلامی»، تهران: ۱۳۹۰/۳/۱۰، سایت رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (www.mfa.gov.ir).
- عابدینی، حسین (۱۳۹۰)، «همگرایی معنادار بازتاب رسانه‌ای قیام‌های منطقه‌ای با سیاست خارجی مالکان رسانه»، همایش بین‌المللی بیداری اسلامی، بررسی تحولات اخیر کشورهای عربی-اسلامی از شمال آفریقا تا خاورمیانه، بسترها چالش‌ها پیامدها، تهران.
- عبدالستار، سید (۱۳۸۸)، «پیروزی حزب الله مشاهدات اتفاقات و گفت و گوها»، ترجمه‌ی محمدرضا میرزاجان، تهران: نشر موسسه فرهنگی قدر ولایت.
- قربانی شیخ نشین، ارسلان و کارآزما، جواد (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران، فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، ص ۷۷-۹۴.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸)، «مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۶.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: سمت.
- مصفا، نسرین و جواد امین، منصور (۱۳۹۲)، «نقش جمهوری اسلامی ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره ۱.
- میرعلی، محمدعلی (۱۳۹۱)، «چالش سنت و مدرنیته در لبنان و سوریه»، قم: بوستان کتاب.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۹)، «شیعه و منازعات سیاسی در خاورمیانه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۷.
- هادیان، ناصر (۱۳۹۰)، «گفت‌گو»، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰/۳/۳۱.
- صالحی، جواد و شهابی، مهدیه (۱۳۹۰)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه، فصلنامه بیداری اسلامی، سال اول، شماره یکم.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قربانی شیخ نشین، ارسلان و کارآزما، جواد (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران فرصت‌ها و تهدیدها، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸.

- لطفی پور، محمدرضا و شاکری، زهرا و کبری بطا، فاطمه (۱۳۹۰)، «بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره ۳.

- کریمی پور، یدالله (۱۳۹۰)، «بررسی زمینه‌های جابه‌جایی کلان جنگ‌های فراگیر در خاورمیانه»، مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۱، شماره ۲۲.

۲۱

«فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

- فیضی، سیروس (۱۳۹۱)، «سیاست غرب در برابر نهضت‌های انقلابی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۴۹.

- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تاکید بر تحولات سوریه»، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره ۲.

- دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۸)، «شیعه هراسی و جایگاه آن در دیپلماسی امنیتی ایالات متحده»، پگاه حوزه، شماره ۲۶۱.

- داداش پور، هاشم و احمدی، فرانک (۱۳۸۹)، «رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۲.

فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان

فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بیداری
اسلامی در منطقه خاورمیانه

اسماعیلی عارفی گوروان